

بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس وابستگی‌های ارزش خود

میلا دسبزه‌آرای لنگرودی^{*}، مهدی رضا سرافراز^{*}، نیما قربانی^{**}

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس وابستگی‌های ارزش خود در میان نمونه‌ای از دانشجویان ایرانی بود. به همین منظور ۵۰۲ نفر از دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه پیام نور شهرستان لنگرود به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و مقیاس‌های وابستگی‌های ارزش خود، خودشناسی انسجامی، شفقت خود-فرم کوتاه، خودشیفتگی مارگولیس-توماس و حرمت خود رزنبرگ در میان آن‌ها اجرا شد. در ابتدا تحلیل عامل تأییدی نشان داد که ساختار عاملی نمونه ایرانی با ساختار عاملی به‌دست آمده در نمونه‌های آمریکایی (کراکر و همکاران، ۲۰۰۳) برازش ندارد. بنابراین، برای یافتن ساختار عاملی مناسب با نمونه ایرانی، تحلیل عامل اکتشافی به روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی با شیوه چرخش ابلیمین بر روی مقیاس مذکور انجام شد و نشان داد که ۶ عامل با ساختار داده‌ها برازش دارند. علاوه بر تأیید روایی همگرا و واگرایی مقیاس، ضرایب آلفای کرونباخ نیز همسانی درونی مناسب عامل‌های مقیاس را نشان داد. نتایج به‌دست آمده بر اساس نظریه خودمختاری و نظریه وابستگی‌های ارزش خود بررسی شد.

کلید واژه‌ها

وابستگی‌های ارزش خود؛ ویژگی‌های روان‌سنجی؛ تحلیل عامل
تأییدی؛ تحلیل عامل اکتشافی

^{*} نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان، miladsabzehara@alumni.ut.ac.ir

^{**} دانشجوی دکتری روان‌شناسی سلامت، دانشگاه شیراز

^{***} عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

مقدمه

مطالعات مختلف در زمینه حرمت خود^۱، اغلب با در نظر گرفتن «خود» به عنوان «مفعول»^۲، که محصول ارزیابی‌ها، نظرات و تأیید دیگران است، (مید^۳، ۱۹۳۴؛ کولی^۴، ۱۹۰۲؛ به نقل از رایان و براون، ۲۰۰۳) به میزان یا سطح حرمت خود توجه کرده‌اند. این مطالعات داشتن حرمت خود بالا را با پیامدهای مثبت روانی مرتبط دانسته (مایرز و دینر، ۱۹۹۵؛ پیزینسکی و همکاران، ۲۰۰۴؛ کراکر و همکاران، ۱۹۹۴؛ کراکر و همکاران، ۲۰۰۴؛ کراکر و نایت، ۲۰۰۵) و در مقابل، حرمت خود پایین و داشتن نگرشی منفی نسبت به خود را عامل مشکلات اجتماعی بیان کرده‌اند (داز^۵، ۱۹۹۴؛ مکا^۶ و همکاران، ۱۹۸۹؛ به نقل از بکس و همکاران، ۲۰۰۴).

اما به‌رغم این نظرات در زمینه مشکل‌ساز بودن حرمت خود پایین و پیامدهای مثبت حرمت خود بالا، مطالعات انجام شده نتوانسته‌اند مشخص کنند که حرمت خود پایین بیش‌تر از آن‌که یک معلول و نشانه برای مشکلات فردی و اجتماعی باشد عامل و علت آن‌ها است (بامایستر^۷، ۱۹۹۸؛ اسملسر، ۱۹۸۹؛ به نقل از کراکر و ولف، ۲۰۰۱). در زمینه حرمت خود بالا نیز نه تنها اثرات مثبت آن در مواردی از قبیل عملکرد شغلی مورد تردید است (بامایستر و همکاران، ۲۰۰۳)، بلکه حتی نشان داده شد که افراد با حرمت خود بالا، ارزیابی‌های مثبت غیر واقعی درباره خود دارند (راث و همکاران، ۱۹۸۶)، در بیان مؤفقیتهای‌شان غرور و تکبر می‌ورزند (فیچ^۸، ۱۹۷۰؛ به نقل از کرنیس و پردایز، ۲۰۰۲)، در مواجهه با شرایط تهدیدکننده حرمت خود، به رفتارهای دفاعی، خشونت‌های میان فردی و ایجاد اهداف نامناسب و پر خطر اقدام می‌کنند (بامایستر و همکاران، ۱۹۹۶)، برای حفظ حرمت خودشان خود مانع‌سازی^۹ می‌کنند (نیا و همکاران، ۲۰۱۰)، از راهبردهای خود ارائه‌گری^{۱۰} استفاده می‌کنند (تایس و

1. self-esteem
2. object
3. Mead
4. Cooley
5. Dawes
6. Mecca
7. Baumeister
8. Fitch
9. self-handicapping
10. self-presentation

بامایستر، ۱۹۹۰)، افرادی را تحقیر می‌کنند که تهدیداتی علیه ارزش خود^۱ آن‌ها ارائه می‌دهند (کراکر و همکاران، ۱۹۸۷) و در توصیفاتی که از خود می‌کنند خودافزایی جبرانی^۲ را به کار می‌برند (باسن و همکاران، ۲۰۰۳).

به این دلیل، با توجه به این‌گونه تناقضات پژوهشی در زمینه میزان حرمت خود، عده‌ای با در نظر گرفتن خود به‌عنوان «فرآیند^۳» (بلیزی^۴، ۱۹۸۸؛ لوینگر^۵، ۱۹۷۶؛ به نقل از دسی و رایان، ۱۹۹۱) که به دلیل داشتن نیازهای بنیادین روان‌شناختی، ذاتاً گرایش به خودمختاری، خودشکوفایی و معنا دادن به رویدادهای زندگی را دارد و برخلاف دیدگاه خود به‌عنوان «مفعول»، به صورت منفعلانه در انتظار شکل داده شدن توسط ارزیابی‌های اجتماعی نیست، نوع حرمت خود را نسبت به میزان حرمت خود، تفسیرکننده بهتری از رفتارهای انسانی دانسته‌اند.

به دنبال این توجه به نوع حرمت خود و تقسیم‌بندی اولیه آن به انواع وابسته^۶ و غیر وابسته^۷ (دسی و رایان، ۱۹۹۵؛ به نقل از دسی و رایان، ۲۰۰۰) و پایدار^۸ و ناپایدار^۹ (کرنیس و اسشل^{۱۰}، ۱۹۹۵؛ به نقل از کرنیس و همکاران، ۲۰۰۰) در نظریه خودمختاری^{۱۱}، نظریه وابستگی‌های ارزش خود^{۱۲}، با بیان حیطه‌هایی که حرمت خود افراد به آن‌ها وابسته است، معتقد است که تنها توجه کردن به این‌که حرمت خود وابسته یا غیر وابسته است نمی‌تواند تبیین مناسب و جامعی از رفتارهای گوناگون، اختصاصی و جزئی دهد. به عبارت دیگر، حیطه‌های گوناگونی که حرمت خود می‌تواند به آن‌ها وابسته شود، رفتارها، تصمیمات و پیامدهای مختلفی را به همراه دارند (کراکر و همکاران، ۲۰۰۳). همچنین، در مطالعه کراکر و

-
1. self-worth
 2. compensatory self-enhancement
 3. process
 4. Blasi
 5. Loevinger
 6. contingent
 7. non-contingent
 8. stable
 9. unstable
 10. Kernis
 11. Self-Determination Theory
 12. Contingencies of Self-Worth Theory

همکاران (۲۰۰۳) تحلیل عامل تأییدی نشان داد که مدل هفت عاملی وابستگی‌های ارزش خود، تناسب بسیار بهتری را برای داده‌ها، نسبت به یک مدل کلی تک عاملی حرمت خود وابسته فراهم می‌کند. در واقع، کراکر و همکارانش (۲۰۰۳) بر پایه نظریات جیمز^۱ (۱۸۹۰؛ به نقل از کراکر و ولف، ۲۰۰۱) از حرمت خود که معتقد بود، حرمت خود وابسته به مؤفقیّت‌ها و شکست‌ها در حیطه‌هایی خاص است، مفهوم وابستگی‌های ارزش خود را مطرح کردند. وابستگی‌های ارزش خود به حیطه‌هایی اشاره می‌کند که مؤفق شدن یا شکست خوردن در آن حیطه‌ها، چه به صورت واقعی و چه به صورت تصور شده، برای حرمت خود فرد ضروری و حیاتی است. به طوری که به دست آوردن مؤفقیّت در حیطه‌هایی که حرمت خود فرد به آن‌ها وابسته است، باعث افزایش حرمت خود او و شکست خوردن در آن حیطه‌ها، با کاهش حرمت خود فرد همراه است (کراکر و همکاران، ۲۰۰۳). در واقع وابستگی‌های ارزش خود یک مدل وابستگی «اگر-پس»^۲ را ارائه می‌دهند «اگر من در فلان حیطه مؤفق شدم پس انسان ارزش‌مندی هستم» (میشل و شدا، ۱۹۹۵). کراکر و همکارانش (۲۰۰۳) با مطالعه پیشینه حرمت خود، هفت حیطه اصلی و رایج وابستگی حرمت خود که در پیشینه مطرح شده بود را به عنوان حیطه‌های وابستگی حرمت خود برای دانشجویان در مقیاس وابستگی‌های ارزش خود^۳ مطرح کردند که عبارتند از: وابسته بودن حرمت خود به شایستگی تحصیلی^۴، عشق خدا^۵، حمایت خانواده^۶، پرهیزکاری^۷، رقابت و برتری بر دیگران^۸، داشتن ظاهری زیبا^۹ و تأیید دیگران^{۱۰}. زمانی که حرمت خود فرد وابسته به هر یک از این حیطه‌ها است (برای مثال، حرمت خود وابسته به جذابیت ظاهری) کسب مؤفقیّت در آن حیطه (زیبا بودن) باعث افزایش حرمت خود فرد و شکست خوردن در آن حیطه (نداشتن جذابیت ظاهری) با کاهش حرمت خود او همراه است. به‌رغم بیان هفت حیطه وابستگی حرمت خود، کراکر و ولف (۲۰۰۱) پیوستاری از

1. James, W.
2. if-then contingency
3. Contingencies of Self-Worth Scale (CSWS)
4. academic competence
5. God's love
6. family support
7. virtue
8. competition
9. appearance
10. approval from others

وابستگی‌های درونی^۱ به بیرونی^۲ را مطرح می‌کنند. او حیطه‌های وابستگی‌ای را که بیش‌تر از وابسته بودن به نظر و تأیید خود شخص، به نظر، تأیید و تصدیق دیگران وابسته هستند از قبیل، وابستگی‌های ارزش خود تأیید دیگران، جذابیت ظاهری و رقابت را به‌عنوان وابستگی‌های ارزش خود بیرونی و وابستگی‌هایی را که بیش‌تر به نظر، باور و رفتار خود فرد وابسته و کم‌تر به نظر دیگران وابسته هستند از قبیل، عشق خدا و پرهیزکاری را به‌عنوان وابستگی‌های ارزش خود درونی تقسیم‌بندی کرده است. وابستگی ارزش خود حمایت خانواده در عین اینکه یک وابستگی ارزش خود بیرونی است، اما نسبت به آن‌ها، منبع پایدارتر و باثبات‌تری برای حرمت خود است. شایستگی تحصیلی نیز هم با وابستگی‌های درونی و هم بیرونی ارتباط دارد، اما بررسی‌ها نشان داده است که با وابستگی‌های بیرونی و به‌طور خاص، با وابستگی ارزش خود رقابت، به‌طور قوی‌تری ارتباط دارد. وابستگی‌های ارزش خود بیرونی هم به دلیل دشوارتر بودن تحقق آن‌ها و هم به دلیل اینکه با رفتارهای ناسالم بیش‌تری همراه هستند، نسبت به وابستگی‌های ارزش خود درونی پیامدهای منفی بیش‌تری به همراه دارند (پارک و کراکر، ۲۰۰۵؛ کراکر، ۲۰۰۲).

با توجه به این‌که مطالعات انجام شده در نظریه خودمختاری و نظریه وابستگی‌های ارزش خود نشان داده است که نوع حرمت خود نسبت به میزان حرمت خود تبیین‌کننده بهتری از رفتارهای افراد است (دسی و رایان، ۲۰۰۰؛ کراکر و همکاران، ۲۰۰۳) و از آنجایی که در ایران ابزار مناسبی برای سنجش نوع حرمت خود وجود ندارد، بر اساس بررسی پژوهش‌گران از پیشینه موضوع مطالعه، بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی جامع‌ترین ابزار سنجش نوع حرمت خود، که تاکنون ارائه شده و در مطالعات خارجی نیز اعتبار و پایایی مناسبی برای آن نشان داده شده است، هدف پژوهش حاضر است.

مقیاس ۳۵ ماده‌ای وابستگی‌های ارزش خود را کراکر و همکاران (۲۰۰۳) ساخته‌اند و ۷ حیطه وابستگی حرمت خود را در میان دانشجویان می‌سنجد. این هفت حیطه عبارت هستند از: تأیید دیگران، جذابیت ظاهری، شایستگی تحصیلی، رقابت، حمایت خانواده، عشق خدا و پرهیزکاری. در ارتباط با هر حیطه [وابستگی حرمت خود ۵ ماده در مقیاس ارائه شده است که

پاسخ‌دهندگان می‌بایست بر اساس طیف لیکرت ۷ درجه‌ای (۱= شدیداً مخالف، ۷= شدیداً موافق) میزان وابستگی حرمت خودشان را به هر حیطه نشان دهند. برای مثال برای عامل پرهیزکاری ۵ ماده (از قبیل، انجام‌دادن کارهایی که می‌دانم اشتباه است باعث می‌شوند تا احترامی که برای خودم قائلم از بین برود، هر وقت از اصول اخلاقیم پیروی می‌کنم، احترامی که برای خودم قائلم بیش‌تر می‌شود و غیره) ارائه شده است که پاسخ‌دهنده می‌بایست میزان موافقت یا مخالفت خود را با هر ماده نشان دهد و با محاسبه نمرات هر حیطه میزان اهمیت هر حیطه برای فرد مشخص می‌شود. در مطالعه کراکر و همکاران (۲۰۰۳) با تحلیل عامل مواد مقیاس و ضرایب همبستگی با مقیاس‌های دیگر، هفت حیطه وابستگی حرمت خود و پیوستار درونی به بیرونی وابستگی‌های ارزش خود تأیید شد. کراکر و همکاران (۲۰۰۳) در مطالعه اول با ۱۴۱۸ دانشجوی نشان دادند که ساختار ۷ عاملی مقیاس نسبت به چندین مدل دیگر برازش بهتری را با داده‌ها هم در زنان و هم در مردان و هم نژادهای مختلف دارد. همسانی درونی خرده‌مقیاس‌ها نیز بین ۰/۸۲ تا ۰/۹۶ قرار داشت. در مطالعه دوم با ۷۹۵ دانشجوی جدیدالورود، وابستگی‌های ارزش خود، میزان حرمت خود و میزان زمانی که دانشجویان صرف فعالیت‌های مختلف کرده بودند، قبل از شروع نیمسال، پایان نیمسال اول و پایان نیمسال دوم تحصیلی ارزیابی شد، پرسشنامه‌های دیگری نیز برای بررسی اعتبار همگرا و افتراقی مقیاس بر روی دانشجویان اجرا شد. پایایی‌های بازآزمایی خرده مقیاس‌ها بعد از ۳ ماه فاصله بین ۰/۶۸ تا ۰/۹۲، بعد از ۵ و نیم ماه فاصله بین ۰/۵۹ تا ۰/۸۸ و بعد از ۸ و نیم ماه فاصله بین ۰/۵۱ تا ۰/۸۸ بود. مطابق با یافته‌های مطالعه دوم، خودشیفتگی و روان‌جورخویی رابطه‌ای مثبت با وابستگی‌های بیرونی نشان دادند که این رابطه در ارتباط با وابستگی‌های درونی معکوس بود. در مقابل، میزان حرمت خود و جامعه‌پسند بودن رابطه‌ای منفی با وابستگی‌های بیرونی نشان دادند که این رابطه برای وابستگی‌های درونی معکوس بود. به علاوه وابستگی‌های ارزش خود گوناگون، پیوستن افراد به گروه‌ها و انجمن‌های مختلف و میزان زمان صرف شده آن‌ها در نیمسال اول و دوم برای فعالیت‌های مختلف را پیش‌بینی کرد. برای مثال، وابستگی حرمت خود بر ظاهری زیبا، پیوستن به گروه‌های دخترانه و پسرانه و شرکت در پارتی‌ها، خرید کردن و فعالیت‌های اجتماعی و وابستگی عشق خدا، پیوستن به سازمان‌های مذهبی، انجام‌دادن فعالیت‌های مذهبی، مطالعه کردن و ورزش را پیش‌بینی کردند. سایر مطالعات در این زمینه نیز

اعتبار این مقیاس را تأیید کردند (پارک و همکاران، ۲۰۰۷؛ پارک و کراکر، ۲۰۰۸؛ نیا و همکاران، ۲۰۱۰).

روش

این پژوهش توصیفی و از نوع ابزارسازی است. جامعه این پژوهش کلیه دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه پیام نور شهرستان لنگرود در سال ۱۳۹۰ بودند که از میان آن‌ها ۵۰۲ نفر (۱۶۴ مرد، ۳۳۴ زن و ۴ نفر گزارش نشده) با میانگین سنی ۲۱ و انحراف استاندارد ۳/۳۵ به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و مقیاس‌های لازم که به صورت یک دفترچه تهیه شده بود در گروه‌های ۱۰ تا ۲۰ نفری، بدون نام و با رعایت اصول اخلاقی پژوهش در میان آن‌ها اجرا شد. برای آماده‌سازی مقیاس وابستگی‌های ارزش خود نیز ابتدا دو مترجم زبان انگلیسی که یکی از آن‌ها در رشته روان‌شناسی تخصص داشت، آن را به فارسی ترجمه کردند. سپس به دلیل تخصصی بودن مقیاس، چند متخصص در رشته روان‌شناسی، ترجمه مقیاس‌ها را بازبینی کردند. سپس دو مترجم که یکی از آن‌ها در رشته روان‌شناسی تخصص داشت، ترجمه فارسی مقیاس را به زبان انگلیسی برگرداندند. مقیاس برگردانده شده به زبان انگلیسی به سازنده آن فرستاده شد تا اصلاحات خود را بر روی آن اعمال کند. در نهایت بعد از انجام دادن اصلاحات مربوط به مؤلف ابزار، نسخه فارسی مقیاس فراهم شد. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش عبارت بودند از:

۱) مقیاس وابستگی‌های ارزش خود (CSWS): مقیاس وابستگی‌های ارزش خود را کراکر و همکاران (۲۰۰۳) ساخته‌اند که شامل ۳۵ ماده بوده و پاسخ‌دهندگان می‌بایست در طیف لیکرت ۷ درجه‌ای (۱=شدیداً مخالف، ۷=شدیداً موافق) به عبارات پاسخ دهند. در مطالعه سارجنت و همکاران (۲۰۰۶) آلفای کرونباخ ۷ خرده مقیاس، بین ۰/۷۸ تا ۰/۹۴ گزارش شده است. پایایی بازآزمایی خرده مقیاس‌ها نیز بعد از ۴ ماه فاصله، بین ۰/۷۸ تا ۰/۹۴ بود. میانگین، انحراف معیار و همسانی درونی خرده مقیاس‌ها در این مطالعه به ترتیب برای رقابت ۵/۷۴، ۰/۸۶ و ۰/۷۴، نگرش دیگران ۴/۰۱، ۱/۰۲ و ۰/۶۴، تأیید دیگران ۳/۹۰، ۱/۳۱ و ۰/۷۱، پرهیزکاری ۵/۴۸، ۰/۹۲ و ۰/۷۱، عشق خدا ۶/۱۵، ۰/۷۹ و ۰/۷۵ و شایستگی تحصیلی ۵/۱۲، ۰/۷۸ و ۰/۶۵ محاسبه شد.

۲) مقیاس خودشناسی انسجامی (ISK): مقیاس خودشناسی انسجامی^۱ را قربانی و همکاران (۲۰۰۸) ساخته‌اند که شامل ۱۲ ماده بوده و پاسخ‌دهندگان می‌بایست در طیف لیکرت ۵ درجه‌ای (الف = عمدتاً نادرست، ب = عمدتاً درست) به عبارات پاسخ دهند. عبارات ۳، ۶ و ۹ خودشناسی تأملی^۲ (بهره‌گیری از تجارب شخصی در زمان گذشته)، عبارات ۱، ۵، ۷ و ۸ خودشناسی تجربه‌ای^۳ (توجه دقیق به تجارب شخصی در زمان حال) و باقی عبارات (۴، ۲، ۱۰، ۱۱، ۱۲) نیز یکپارچه کردن تجارب گذشته، حال و آینده در جهت سازش و ارتقاء خود (خودشناسی انسجامی^۴) را می‌سنجند. قربانی و همکاران (۲۰۰۸) در مطالعه خود در میان سه نمونه ایرانی و سه نمونه آمریکایی، آلفای کرونباخ مقیاس را به ترتیب در نمونه اول ایرانی ۰/۸۲، نمونه دوم ایرانی ۰/۸۱ و نمونه سوم ایرانی ۰/۸۱ و به ترتیب در نمونه اول آمریکایی ۰/۷۸، نمونه دوم آمریکایی ۰/۷۸ و نمونه سوم آمریکایی ۰/۷۴ گزارش دادند. اعتبار همگرا، ملاک، افتراقی و افزایشی مقیاس نیز در این مطالعه تأیید شد. میانگین، انحراف معیار و همسانی درونی مقیاس در این مطالعه به ترتیب ۳/۲۸، ۰/۵۹ و ۰/۷۴ به دست آمد.

۳) مقیاس شفقت خود-فرم کوتاه (SCS-SF): مقیاس ۱۲ ماده‌ای شفقت خود-فرم کوتاه^۵ را ریس و همکاران (۲۰۱۱) ساخته‌اند و ۶ عامل مهربانی با خود^۶ در مقابل قضاوت خود^۷، مشترکات انسانی^۸ در مقابل انزوا^۹ و بهوشیاری^{۱۰} در مقابل فزون‌هماندسازی^{۱۱} را شامل می‌شود. پاسخ‌دهندگان می‌بایست در طیف لیکرت ۵ درجه‌ای (۱ = تقریباً هرگز، ۵ = تقریباً همیشه) به عبارات مقیاس پاسخ دهند. در مطالعه ریس و همکاران (۲۰۱۱) اعتبار این مقیاس تأیید شده است (همسانی درونی = ۰/۸۶). همچنین در مطالعه قربانی و همکاران (۲۰۱۲) همسانی درونی مقیاس ۰/۸۴ گزارش شد. میانگین، انحراف معیار و همسانی درونی مقیاس در این مطالعه به

1. Integrative Self-Knowledge Scale (ISK)
2. reflective self-knowledge
3. experiential self-knowledge
4. integrative self-knowledge
5. Self-Compassion Scale - Short Form (SCS-SF)
6. self-kindness
7. self-judgment
8. common humanity
9. isolation
10. mindfulness
11. over-identification

ترتیب ۳/۱۱، ۰/۵۷ و ۰/۶۸ به دست آمد.

۴) مقیاس خودشیفتگی مارگولیس-توماس (MTNS): مقیاس خودشیفتگی مارگولیس-توماس^۱ شامل ۲۴ ماده بوده و در هر ماده، پاسخ‌دهنده می‌بایست بین دو عبارت، خودشیفته‌وار و دیگری پاسخی غیرخودشیفته‌وار، یکی را انتخاب کند. قربانی و واتسن (۱۳۸۵) ضمن بررسی ساختار عاملی مقیاس در نمونه‌های ایرانی و آمریکایی، همسانی درونی مقیاس را در دو نمونه به ترتیب ۰/۷۰ و ۰/۷۷ گزارش کردند. هم‌چنین، در مطالعه قربانی و همکاران (۲۰۱۰) نیز اعتبار این مقیاس مطلوب گزارش شده است. میانگین، انحراف معیار و همسانی درونی مقیاس در این مطالعه به ترتیب ۱/۲۹، ۰/۱۳ و ۰/۶۱ به دست آمد.

۵) مقیاس حرمت خودرزنبرگ (RSES): مقیاس حرمت خود رزنبرگ^۲ (۱۹۶۵) به عنوان معتبرترین و رایج‌ترین ابزار سنجش میزان حرمت خود کلی^۳ و صفتی^۴ افراد (بلسکوچ و تماکا^۵، ۱۹۹۱؛ به نقل از کرنیس و پردایز، ۲۰۰۲) شامل ۱۰ ماده است و پاسخ‌دهندگان می‌بایست در طیف لیکرت ۵ درجه‌ای (۱=عمدتاً نادرست، ۵=عمدتاً درست) به مواد مقیاس پاسخ دهند. در مطالعه قربانی و همکاران (۲۰۱۰، ۲۰۱۲) همسانی درونی مقیاس ۰/۷۴ و ۰/۸۰ گزارش شد. میانگین، انحراف معیار و همسانی درونی مقیاس در این مطالعه به ترتیب ۳/۵۹، ۰/۶۲ و ۰/۷۹ به دست آمد.

یافته‌ها

برای بررسی ساختار عاملی مقیاس وابستگی‌های ارزش خود در نمونه ایرانی (نمونه = ۵۰۲)، ابتدا تحلیل عاملی تأییدی با استفاده از نرم‌افزار لیزرل انجام شد، با توجه به این‌که در این روش، مدلی برازش مناسب با داده‌ها را دارد که ریشه میانگین مجذور خطای باقیمانده استاندارد شده^۶ کمتر از ۰/۰۸ باشد، شاخص برازش مقایسه‌ای^۷، شاخص برازش هنجار شده^۸،

1. Margolis-Thomas Narcissism Scale (MTNS)
2. Rosenberg Self-Esteem Scale (RSES)
3. global
4. trait
5. Blascovich & Tomaka
6. Standardized Root Mean Square Residual
7. Comparative Fit Index
8. Normed Fit Index

شاخص برازش هنجار نشده^۱، شاخص نیکویی برازش^۲، شاخص نیکویی برازش تعدیل شده^۳ و شاخص برازش افزایشی^۴ بیش‌تر یا مساوی ۰/۹۰ باشند، ریشه میانگین مجذور خطای تقریب^۵ کم‌تر از ۰/۰۶ باشد، شاخص ریشه میانگین مجذورات باقیمانده^۶ کم‌تر از ۰/۵ باشد و مجذور خی (χ^2) معنادار نباشد، نتایج ارائه شده در جدول ۱ نشان داد که ساختار عاملی نمونه ایرانی با ساختار عاملی به‌دست آمده در نمونه آمریکایی (کراکر و همکاران، ۲۰۰۳) برازش ندارد. بنابراین، برای یافتن ساختار عاملی مناسب با نمونه ایرانی، تحلیل عامل اکتشافی به روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی^۷ با شیوه چرخش ابلیمین^۸ بر روی مقیاس مذکور انجام شد. با در نظر گرفتن ۳ شاخص ارزش ویژه^۹، آزمون اسکری^{۱۰} و تفسیرپذیری و با حذف ماده‌هایی که بار عاملی مشترک با اختلاف کم‌تر از ۰/۵ روی ۲ عامل داشتند (۴ ماده عامل حمایت از خانواده: ۷، ۱۰، ۱۶ و ۲۴)، حذف ماده ۴ مقیاس (ماده عامل داشتن ظاهری زیبا)، به دلیل بار عاملی کم‌تر از ۰/۴ و میزان تبیین واریانس کم‌تر از ۰/۳ و حذف ماده ۲۹ مقیاس (ماده عامل حمایت خانواده) به دلیل بار شدن روی عامل عشق خدا که به لحاظ نظری تفسیرپذیر نیست، ۶ عامل با ساختار داده‌ها برازش پیدا کرد. عوامل، ماده‌های مربوط به هر عامل و بار عاملی مربوط در جدول ۲ نشان داده شده است. در ضمن، آزمون کفایت نمونه‌گیری^{۱۱} و آزمون بارتلت نشان داد که ماتریس همبستگی داده‌ها برای آزمون تحلیل عامل مناسب است ($KMO = 0.802$ ، $P = 0.00$). $(Bartlett's Test: \chi^2 = 3313. E3, df = 0.406, P = 53/47)$ ۶ عامل به‌دست آمده در مجموع $53/47$ درصد واریانس داده‌ها را تبیین می‌کنند. شایان ذکر است که درصد واریانس تبیین شده توسط عوامل مربوط به قبل از چرخش است.

1. Non-Normed Fit Index
2. Goodness of Fit Index
3. Adjusted Goodness of Fit Index
4. Incremental Fit Index
5. Root Mean Square Error of Approximation
6. Root Mean Square Residual
7. principal component analysis
8. oblimin
9. eigen value
10. scree plot
11. Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy

جدول ۱: شاخص‌های برازش مقیاس وابستگی‌های ارزش خود

SRMR	CFI	RMSEA	GFI	NNFI	NFI	IFI	AGFI	RMR		χ^2	df	P
۰/۰۰۴	۰/۹۰۰	۰/۰۰۶	۰/۹۰۰	۰/۹۰۰	۰/۹۰۰	۰/۹۰۰	۰/۹۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۴	۴/۸۱	۶۰۵	۰/۰۰۰

***P < ۰/۰۰۱

برای سنجش اعتبار همگرا و واگرای عامل‌های مقیاس وابستگی‌های ارزش خود از مقیاس‌های خودشناسی انسجامی، شفتت خود-فرم کوتاه، خودشیفتگی مارگولیس-توماس و حرمت خود رزنبرگ استفاده شد. جدول ۳ ضرایب همبستگی بین وابستگی‌های ارزش خود درونی و بیرونی با مقیاس‌های مذکور را نشان می‌دهد. با بررسی دو به دو متغیرها با یکدیگر، فقدان معناداری انحراف از خطی بودن^۱ در آزمون خطی بودن^۲، وجود رابطه خطی میان متغیرها را نشان داد. همچنین، مقادیر پرت اندک بودند و با حذف آن‌ها تغییرات مهمی در نتایج دیده نشد. همبستگی وابستگی‌های ارزش خود با ماده‌های آن‌ها به ترتیب برای رقابت بین ۰/۷۲ تا ۰/۸۱، تأیید دیگران بین ۰/۵۶ تا ۰/۸۳، نگرش دیگران بین ۰/۵۲ تا ۰/۶۹، شایستگی تحصیلی بین ۰/۴۹ تا ۰/۷۲، پرهیزکاری بین ۰/۶۳ تا ۰/۷۴ و عشق خدا بین ۰/۶۶ تا ۰/۸۰، نمره کل شفتت خود با ماده‌های آن بین ۰/۲۳ تا ۰/۵۷، نمره کل خودشیفتگی با ماده‌های آن بین ۰/۱۱ تا ۰/۴۹، نمره کل خودشناسی انسجامی با ماده‌های آن بین ۰/۳۳ تا ۰/۶۴ و نمره کل حرمت خود با ماده‌های آن بین ۰/۴۲ تا ۰/۷۰ بود.

همان‌طور که در جدول ۳ دیده می‌شود، وابستگی‌های ارزش خود بیرونی رقابت، نگرش دیگران و تأیید دیگران با شفتت خود همبستگی منفی و با خودشیفتگی همبستگی مثبت نشان دادند. وابستگی بیرونی نگرش دیگران همبستگی منفی با خودشناسی انسجامی و حرمت خود نشان داد. در مقابل، وابستگی‌های ارزش خود دورنی پرهیزکاری و عشق خدا همبستگی منفی

1. deviation from linearity
2. test for linearity

با خودشیفتگی نشان دادند. همچنین، وابستگی درونی پرهیزکاری با خودشناسی انسجامی همبستگی مثبت نشان داد. یافته‌ها مطابق با مطالعه کراکر و همکاران (۲۰۰۳) روایی همگرا و واگرایی مقیاس وابستگی‌های ارزش خود و به عبارت دیگر، تمایز بین وابستگی‌های ارزش خود بیرونی و درونی را تأیید می‌کنند. همان‌طور که دیده می‌شود برخی از این ضرایب در حد ضعیف هستند و حجم بالایی نمونه در معناداری‌شان تأثیرگذار بوده است و به این دلیل نیاز به بررسی بیش‌تر دارند و در مواجهه با آن‌ها می‌بایست محتاط بود. اگرچه دیگر ضرایب همبستگی می‌توانند استنادی بر روایی همگرا و واگرایی مقیاس باشند و همچنین با توجه به مقدماتی بودن پژوهش در این زمینه در جامعه ایران نیاز است تا پژوهش‌های آتی روابط موجود میان وابستگی‌های ارزش خود درونی و بیرونی با متغیرهای بهزیستی^۱ و ناخوشی^۲ را در فرهنگ ایرانی روشن‌تر کنند.

جدول ۲: عوامل، ماده‌های مربوط به هر عامل، بار عاملی، ارزش ویژه و درصد واریانس تبیین شده هر عامل

عوامل	عبارات و بار عاملی مربوطه	ارزش ویژه	درصد واریانس تبیین شده
رقابت و برتری بر دیگران	وقتی که وظیفه یا مهارتی را از دیگران بهتر انجام می‌دهم، احساس با ارزش بودن می‌کنم. (۰/۷۵) وقتی می‌دانم که در عملی از دیگران بهتر هستم، ارزشی که برای خودم قائلم بیش‌تر می‌شود. (۰/۸۰) بهتر عمل کردن نسبت به دیگران به من حس احترام به خود می‌دهد. (۰/۷۰) وقتی فکر می‌کنم که به لحاظ ظاهری جذاب به نظر می‌رسم، احساس خوبی راجع به خودم پیدا می‌کنم. (۰/۷۵)	۵/۴۹	۱۸/۹۵
نگرش دیگران	اگر دیگران به من احترام نگذارند، من هم نمی‌توانم به خودم احترام بگذارم. (۰/۶۵) ارزشی که برای خودم قائلم وابسته به نظری است که دیگران از من دارند. (۰/۶۰) ارزشی که برای خودم قائلم تحت تأثیر این است که چقدر فکر می‌کنم که صورت یا ظاهرم جذاب به نظر می‌رسد. (۰/۶۵) هر وقت که فکر می‌کنم به لحاظ ظاهری خوب به نظر نمی‌رسم، ارزشی که برای خودم قائلم لطمه می‌بیند. (۰/۷۵) وقتی در حال رقابت با دیگرانم، خوب یا بد عمل کردم، بر ارزشی که برای خودم قائلم تأثیر می‌گذارد. (۰/۴۵)	۲/۹۰	۱۰/۰۲

1. well-being

2. ill-being

۷/۴۳	۲/۱۵	برایم مهم نیست که دیگران در مورد من نظر منفی داشته باشند. (۰/۸۰) برایم مهم نیست که دیگران چه فکری درباره من می‌کنند. (۰/۸۵) این‌که دیگران درباره من چه فکری می‌کنند، تأثیری ندارد بر اینکه من درباره خودم چه فکری می‌کنم. (۰/۷۵) این‌که احساس کنم به لحاظ ظاهری آدم جذابی هستم یا نه، بر ارزشی که برای خودم قائلم تأثیری ندارد. (۰/۵۰)	تأیید دیگران
۶/۵۲	۱/۸۹	انجام کارهایی که می‌دانم اشتباه است باعث می‌شوند تا احترامی که برای خودم قائلم از بین برود. (۰/۶۰) هر وقت از اصول اخلاقیم پیروی می‌کنم، احترامی که برای خودم قائلم بیشتر می‌شود. (۰/۶۵) اگر براساس اصول اخلاقیم زندگی نکنم، نمی‌توانم به خودم احترام بگذارم. (۰/۷۵) اگر عملی غیراخلاقی انجام داده باشم ارزشی که برای خودم قائلم لطمه می‌بیند. (۰/۷۰) ارزشی که برای خودم قائلم وابسته به این است که آیا از اصول اخلاقیم پیروی می‌کنم یا نه. (۰/۷۵)	پرهیزکاری
۵/۴۷	۱/۵۸	ارزشی که برای خودم قائلم، وابسته به عشقی است که خداوند به من دارد. (۰/۷۰) وقتی که خداوند مرا دوست دارد احساس با ارزش بودن می‌کنم. (۰/۸۵) اگر خداوند مرا دوست نمی‌داشت، ارزشی که برای خودم قائلم لطمه می‌دید. (۰/۶۰) زمانی که احساس می‌کنم خداوند مرا دوست دارد، ارزشی که برای خودم قائلم بیش‌تر می‌شود. (۰/۸۵) وقتی فکر می‌کنم در حال اطاعت از خداوند نیستم، احساس بدی راجع به خودم پیدا می‌کنم. (۰/۷۰)	عشق خدا
۵/۰۹	۱/۴۷	نظری که درباره خودم دارم به چگونگی عملکرد تحصیلی‌ام وابسته نیست. (۰/۴۵) عملکرد خوب تحصیلی، باعث ایجاد حس احترام به خود در من می‌شود. (۰/۷۰) وقتی که می‌دانم به لحاظ تحصیلی خوب عمل می‌کنم، درباره خودم احساس بهتری می‌کنم. (۰/۶۰) ارزشی که برای خودم قائلم تحت تأثیر عملکرد تحصیلی‌ام قرار دارد. (۰/۷۵) هر وقت که عملکرد تحصیلی‌ام نقص داشته باشد احساس بدی راجع به خودم پیدا می‌کنم. (۰/۵۵) ارزشی که برای خودم قائلم تحت تأثیر این است که چقدر در کارهای رقابتی خوب عمل می‌کنم. (۰/۶۵)	شایستگی تحصیلی

جدول ۳: ماتریس همبستگی بین عامل‌های مقیاس وابستگی‌های ارزش خود با متغیرهای شفقت خود، خودشیفتگی، خودشناسی انسجامی و حرمت خود

	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱- رقابت و برتری بر دیگران										
۲- تگرش دیگران								۰/۲۹**	۱	
۳- تأیید دیگران							۰/۲۰**	۱	۰/۰۵	
۴- پرهیزکاری						۰/۴۱**	۰/۰۱	۰/۱۹**	۰/۲۶**	
۵- عشق خدا					۱	۰/۲۶**	۰/۲۸**	۰/۰۱	۰/۱۰*	۰/۲۷**
۶- شایستگی					۱	۰/۲۶**	۰/۲۸**	۰/۲۲**	۰/۳۰**	۰/۳۳**
تحصیلی										
۷- شفقت خود				۱	-۰	۰/۰۱	۰/۰۸	-۰/۱۴**	-۰/۱۹**	-۰/۱۵**
۸- خودشیفتگی			۱	-۰/۴۵**	۰/۰۱	-۰/۲۰**	-۰/۱۷**	۰/۱۷**	۰/۳۳**	۰/۱۹**
۹- خودشناسی		۱	-۰/۴۳**	۰/۴۷**	۰/۰۲	۰/۰۶	۰/۱۳**	-۰	-۰/۲۵**	-۰/۰۵
انسجامی										
۱۰- حرمت خود	۱	۰/۴۹**	-۰/۳۶**	۰/۵۰**	۰	۰/۰۷	۰/۰۳	-۰/۰۷	-۰/۲۰**	۰/۰۴

*P < ۰/۰۵ **P < ۰/۰۱

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس وابستگی‌های ارزش خود در نمونه ایرانی بود. در ابتدا تحلیل عامل تأییدی نشان داد که ساختار عاملی نمونه ایرانی با ساختار عاملی به‌دست آمده در نمونه‌های آمریکایی (کراکر و همکاران، ۲۰۰۳) برازش ندارد. بنابراین، برای یافتن ساختار عاملی مناسب با نمونه ایرانی، تحلیل عامل اکتشافی به روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی با شیوه چرخش ابلیمین بر مقیاس مذکور انجام شد و نشان داد که ۶ عامل، با ساختار داده‌ها برازش دارند. مقیاس اصلی شامل ۷ عامل پرهیزکاری، عشق خدا، رقابت، شایستگی تحصیلی، داشتن ظاهری زیبا، حمایت خانواده و تأیید دیگران است که از این عوامل: (۱) دو عامل (وابستگی‌های ارزش خود درونی) پرهیزکاری و عشق خدا عیناً مطابق

با مقیاس اصلی استخراج شدند؛ ۲) عامل رقابت، شایستگی تحصیلی و تأیید دیگران با تغییراتی نسبت به مقیاس اصلی استخراج شدند؛ ۳) عامل جدیدی (نگرش دیگران) با ترکیبی از مواد عامل‌های تأیید دیگران (۲ ماده)، داشتن ظاهری زیبا (۲ ماده) و رقابت (۱ ماده) استخراج شد؛ ۴) عامل حمایت خانواده موجود در مقیاس اصلی حذف شد: همان‌طور که در قسمت یافته‌ها بیان شد ۴ ماده عامل حمایت از خانواده (ماده‌های ۷، ۱۰، ۱۶ و ۲۴) به دلیل داشتن بار عاملی مشترک با اختلاف کم‌تر از ۰/۵ بر ۲ عامل حذف شدند و یک ماده آن (ماده ۲۹) نیز به دلیل بار شدن بر عامل عشق خدا، به لحاظ نظری تفسیرناپذیر، حذف شد و ۵) عامل ظاهر که در مقیاس اصلی وجود داشت ۱ ماده آن (ماده ۴ مقیاس) به دلیل بار عاملی کم‌تر از ۰/۴ و میزان تبیین واریانس کم‌تر از ۰/۳ حذف شد، ۱ ماده آن بر عامل رقابت بار عاملی پیدا کرد، ۱ ماده آن بر عامل تأیید دیگران بار پیدا کرد و ۲ ماده دیگر نیز با عامل جدید نگرش دیگران بار عاملی داشتند.

در نتیجه به‌رغم تفاوت به‌دست آمده در ساختار عاملی نمونه ایرانی با نمونه آمریکایی، تحلیل عامل اکتشافی هم‌چون نمونه آمریکایی بر تمایز بین دو گروه وابستگی‌های درونی و بیرونی تأکید کرد و دو عامل عشق خدا و پرهیزکاری نیز به‌طور یکسان با نمونه‌های آمریکایی استخراج شدند. اما تفاوت‌هایی نیز در ساختار عاملی نمونه‌های آمریکایی و ایرانی دیده می‌شود. یکی از این تفاوت‌های چشمگیر حذف عامل حمایت خانواده در نمونه ایرانی است. در خصوص بار شدن وابستگی حمایت خانواده بر عامل‌های دیگر که موجب حذف این عامل شد این احتمال مطرح می‌شود که در فرهنگ‌های جمع‌گرا، دیدگاه و نظر خانواده در ارتباط با ارزش‌ها و رفتارهای گوناگونی که فرد پی‌گیری می‌کند اهمیت خاصی دارد. بدین صورت، حتی اگر افراد به دلیل مجاورت با محیط‌های مختلف و داشتن تفاوت‌های فردی، ارزش‌های مختلفی را پی‌گیری کرده یا به‌عبارت دیگر، حرمت خودشان به حیطه‌های گوناگون هم وابسته باشد، باز هم تأیید و تصدیق خانواده و کسب حمایت و عشق از سوی خانواده یا همان وابسته بودن حرمت خود به عشق و حمایت خانواده، نقطه مشترکی میان آن‌ها است و در واقع در جامعه ایران، افراد با هر حیطه وابستگی حرمت خود، نگاه، نظر و کسب حمایت از خانواده را مهم می‌دانند.

تفاوت‌هایی نیز در خصوص وابستگی‌های ارزش خود بیرونی (زیبایی، شایستگی

تحصیلی، رقابت و تأیید دیگران) در دو جامعه دیده می‌شود. مطابق با نظریه خودمختاری^۱ (دسی و رایان، ۲۰۰۰) و نظریه وابستگی‌های ارزش خود (کراکر و ولف، ۲۰۰۱)، حیطه‌های بیرونی ارزش خود نسبت به وابستگی‌های درونی، بیش‌تر نظر و کسب تأیید از سوی دیگران را تأکید می‌کنند و در واقع افراد با حرمت خودی وابسته به حیطه‌های بیرونی به دنبال کسب ارزش‌های مورد تأکید از سوی دیگران (از قبیل، خانواده، مدرسه یا به طور کلی اجتماع) با هدف به دست آوردن تأیید و تحسین آن‌ها و تقویت حرمت خودشان هستند و آشکار است که برتر بودن فرد نسبت به دیگران در هر ارزش مورد تأکید در جامعه (زیبایی، تحصیلات، ثروت و غیره) تأیید و تحسین بیش‌تر را برای او به همراه دارد. از طرف دیگر، در مطالعه سبزه‌آرای لنگرودی و همکاران (۲۰۱۴) نیز نشان داده شد که وابستگی‌های ارزش خود درونی با آرزوها یا اهداف ذاتی^۲ مطرح شده در نظریه خودمختاری از قبیل، داشتن روابط صمیمانه با دیگران، تلاش برای تبدیل دنیا به مکانی بهتر، رشد شخصی و حفظ سلامتی مرتبط بودند، در مقابل، وابستگی‌های حرمت خود بیرونی با آرزوهای بیرونی^۳ برای کسب ثروت، شهرت و زیبایی ارتباط داشتند. به همین دلیل با توجه به مطالب ذکر شده، وجود ماده‌هایی از عامل جذابیت ظاهری در سه عامل تأیید دیگران، نگرش دیگران و رقابت و با توجه به اینکه داشتن ظاهری زیبا همواره چه در جامعه آمریکا (برای مثال، رؤیای آمریکایی که بر ارزش‌هایی چون زیبایی، شهرت و ثروت تأکید می‌کند، کیسر و رایان، ۱۹۹۶) و چه در جامعه ایران مورد تأکید بوده است دور از انتظار نیست. در واقع، مطابق با نظریات خودمختاری و وابستگی‌های ارزش خود به دست آوردن ارزش‌هایی چون زیبایی و شایستگی تحصیلی که در جوامع مورد تأکید و ارزش‌گذاری قرار دارند و برتر بودن از دیگران یا همان رقابت با دیگران در دست‌یابی به این ارزش‌ها در جهت کسب هر چه بیش‌تر نگرش مثبت، تحسین و تأیید خود و دیگران با یکدیگر مرتبط بوده و بار شدن این عوامل بر یکدیگر دور از انتظار نیست، اما در خصوص اینکه چرا ماده‌های دو وابستگی ارزش خود تأیید دیگران و جذابیت ظاهری در نمونه ایرانی دو عامل به شدت مشابه (یعنی تأیید دیگران و نگرش دیگران) را ایجاد کرده و

-
1. Self-Determination Theory
 2. intrinsic aspirations
 3. extrinsic aspirations

بر یک عامل قرار نگرفتند، انجام دادن مطالعات بررسی‌های دقیق و بیش‌تر لازم است. در خصوص عامل شایستگی تحصیلی علاوه بر مطالب فوق‌الذکر و مطابق با نظریه وابستگی‌های ارزش خود، شایستگی تحصیلی هم با وابستگی‌های درونی و هم بیرونی ارتباط مثبت دارد، اما این رابطه با وابستگی‌های بیرونی به ویژه وابستگی حرمت خود رقابت نیرومندتر است (کراکر و ولف، ۲۰۰۱، کراکر و همکاران، ۲۰۰۳) که در این مطالعه نیز این‌گونه بود. هم‌چنین با توجه به تأکید تحصیلات در جامعه ایران که آن را به صورت منبعی برای تقویت ارزش خود تبدیل می‌کند، افرادی که حرمت خودشان بر شایسته بودن از نظر تحصیلی وابسته است، برای کسب هر چه بیش‌تر تأییدات از جانب خود و دیگران به دنبال بهتر عمل کردن نسبت به دیگران در این حیطه و برتر بودن از آن‌ها هستند، به این دلیل وجود ماده‌ای از وابستگی رقابت در عامل استخراج شده شایستگی تحصیلی دور از انتظار نخواهد بود.

بررسی همبستگی وابستگی‌های ارزش خود درونی و بیرونی با ابزارهای دیگر، سازگار با مطالعات انجام شده در نظریه وابستگی‌های ارزش خود نشان داد که ترسیم پیوستار درونی به بیرونی وابستگی‌های ارزش خود، تفکیک معتبری است و هم‌چنین، وابستگی‌های درونی نسبت به وابستگی‌های بیرونی با پیامدهای منفی کمتری ارتباط دارند (کراکر و ولف، ۲۰۰۱). این مسأله را می‌توان با دیدگاه نظریه خودمختاری و نظریه وابستگی‌های ارزش خود بررسی کرد. بر اساس نگاه نظریه خودمختاری که در نظریه وابستگی‌های ارزش خود نیز به آن اشاره شده است، وابستگی‌های ارزش خود درونی و بیرونی همان ارزش‌های درون‌فکنی شده^۱ هستند و مطابق با مطالعات انجام شده در این دو نظریه، درون‌فکنی کردن ارزش‌ها با پیامدهایی منفی از قبیل، تجربه تنش و فشار روانی (دسی و رایان، ۲۰۰۰؛ رایان و براون، ۲۰۰۳)، عدم ارضاء نیازهای روان‌شناختی بنیادین^۲ (کراکر و همکاران، ۲۰۰۴؛ کراکر و نوئر، ۲۰۰۳؛ پارک و کراکر، ۲۰۰۵)، بروز مشکلات جسمانی (کراکر و نایت، ۲۰۰۵)، سوق داده شدن به سوی ویژگی‌های خودشیفته‌وار و افسرده‌وار (لاتنن و کراکر، ۲۰۰۵؛ سارجنت و همکاران، ۲۰۰۶) و در کل بهزیستی و سلامت روان کم‌تر همراه است. بنابراین، هر دو

1. introjected values

2. basic psychological need's

وابستگی‌های ارزش خود درونی و بیرونی با پیامدهای منفی ذکر شده همراه هستند. اما مطابق با پیوستار درونی و بیرونی وابستگی‌های ارزش خود و مطالعات انجام شده در زمینه آرزوهای شخصی^۱ در نظریه خودمختاری (دسی و رایان، ۲۰۰۰؛ شلدن و کیسر، ۱۹۹۵)، محتوا و مفاهیم مورد تأکید در رفتارها و ارزش‌ها نیز بر پیامدهای حاصل از اکتساب و دستیابی به آن‌ها تأثیر می‌گذارند. به این دلیل، وابستگی‌های ارزش خود درونی به دلیل تأکید بر مفاهیمی مرتبط با نیازهای روان‌شناختی بنیادین و اهمیت داشتن برخی باورهای شخصی در آن‌ها (برای مثال، باور این‌که عشق خدا نامشروط و گسترده است در وابستگی ارزش خود عشق خدا) نسبت به وابستگی‌های ارزش خود بیرونی که بر مفاهیمی نامرتب با نیازهای روانی تأکید می‌کنند و باورهای موجود در وابستگی‌های درونی نیز در آن‌ها نیست، آسان‌تر ارضاء می‌شوند، با رفتارهای ناسالم کم‌تری ارتباط دارند و در کل پیامدهای منفی کم‌تری برای خود و دیگران دارند (کراکر و ولف، ۲۰۰۱).

در واقع مطابق با همبستگی منفی وابستگی‌های حرمت خود درونی با خودشیفتگی می‌توان گفت که رفتارها و ویژگی‌های خودشیفته‌واری از قبیل، حسادت، تکبر و غرور، بهره‌کشی از دیگران، اغراق در توانایی‌های خود و غیره، رفتارهایی هستند که در هر دو وابستگی‌های درونی، ارزش‌گذاری و انجام آن‌ها نهی می‌شود و به این دلیل، افراد با حرمت خود وابسته به این حیطه‌ها، چه برای به‌دست آوردن تأیید و تحسین دیگران و چه برای حفظ و افزایش نگرش مثبت‌شان نسبت به خود، از پی‌گیری و انجام‌دادن آن‌ها پرهیز می‌کنند.

این مطالعه نیز با محدودیت‌هایی همراه بود، فقدان بررسی پایایی بازآزمایی مقیاس وابستگی‌های ارزش خود و بررسی کم‌تر اعتبار دو مقیاس خودشیفتگی مارگولیس-توماس و شفقت خود در ایران که به رفتار محتاطانه با یافته‌های مرتبط با این دو مقیاس منجر می‌شود. نمونه مورد بررسی در این پژوهش دانشجویان بودند و به همین دلیل، برای تعمیم نتایج به جمعیت‌های دیگر نیاز به اجرای پژوهش‌های دیگری است. طرح همبستگی این مطالعه نیز محدودیت دیگری بود که امکان بررسی رابطه علت معلولی متغیرها را مقدور نکرد. در پایان، با توجه به تفاوت‌های فرهنگی بین جامعه آمریکا و ایران که در تحلیل عوامل مقیاس نیز نشان

داده شد، بررسی دقیق‌تر عوامل به‌دست آمده در نمونه ایرانی و حیطه‌های وابستگی حرمت خود در جامعه ایران که شاید در مقیاس وابستگی‌های ارزش خود مطرح نشده‌اند، از جمله پیشنهادت پژوهش حاضر است.

منابع

- قربانی، نیما و واتسون، پی. جی. (۱۳۸۵). بررسی خودشیفتگی ناسالم در نمونه‌ای از دانشجویان ایرانی و آمریکایی. *روانشناسی معاصر*، ۱، ۱، ۲۰-۲۶.
- Baccus, J. R., Baldwin, M. W., & Packer, D. J. (2004). Increasing Implicit Self-Esteem through Classical Conditioning. *American Psychological Society*, 15, 498-502.
- Baumeister, R. F., Smart, L., & Boden, J. M. (1996). Relation of threatened egotism to violence and aggression: The dark side of high self-esteem. *Psychological Review*, 103, 5-33.
- Baumeister, R. F., Campbell, J. D., Krueger, J. I., & Vohs, K. D. (2003). Does high self-esteem cause better performance, interpersonal success, happiness, or healthier lifestyles? *Psychological Science in the Public Interest*, 4, 1-44.
- Bosson, J. K., Brown, R. P., Zeigler-Hill, V., & Swann, W. B., Jr. (2003). Self-enhancement tendencies among people with high explicit self-esteem: The moderating role of implicit self-esteem. *Self and identity*, 2, 169-187.
- Crocker, J., Thompson, L., McGraw, K., & Ingerman, C. (1987). Downward comparison, prejudice, and evaluation of others: Effects of self-esteem and threat. *Journal of Personality and Social Psychology*, 52, 907-916.
- Crocker, J., Luhtanen, R. K., Blaine, B., & Broadnax, S. (1994). Collective self-esteem and psychological well-being among White, Black, and Asian college students. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 20, 503-513.
- Crocker, J., & Wolfe, C. T. (2001). Contingencies of self-worth. *Psychological Review*, 108, 593-623.
- Crocker, J. (2002). The costs of seeking self-esteem. *Journal of Social Issues*, 58, 597-615.
- Crocker, J., & Nuer, N. (2003). The insatiable quest for self-worth. *Psychological Inquiry*, 14, 31-34.
- Crocker, J., Luhtanen, R., Cooper, M. L., & Bouvrette, S. A. (2003). Contingencies of self-worth in college students: Measurement and theory. *Journal of Personality and Social Psychology*, 85, 894-908.
- Crocker, J., & Luhtanen, R. K., & Sommers, S. (2004). Contingencies of self-worth: Progress and prospects. *European Review of Social Psychology*, 15, 133-181.
- Crocker, J., & Knight, K. (2005). Contingencies of Self-Worth. *Current Directions in Psychological Science*, 14, 200-203.
- Deci, E. L. & Ryan, R. M. (2000). The “what” and the “why” of goal pursuits: Human needs and the self-determination of behavior. *Psychological Inquiry*, 11, 227-268.
- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (1991). A motivational approach to self: Integration

- in personality. In R. Dienstbier (Ed.), *Nebraska symposium on motivation: Perspectives on motivation*, 38, 237-288.
- Ghorbani, N., Watson, P. J., & Hargis, M. B. (2008). Integrative self-knowledge: Correlations and incremental validity of a cross-cultural scale developed in Iran and the United States. *Journal of Psychology*, 142, 395-412.
- Ghorbani, N., Watson, P. J., Hamzavy, F., & Weathington, B. L. (2010). Self-Knowledge and Narcissism in Iranians: Relationships with Empathy and Self-Esteem. *Current Psychology*, 29, 135-143.
- Ghorbani, N., Watson, P. J., Zhuo, C., & Norballa, F. (2012). Self-Compassion in Iranian Muslims: Relationships with Integrative Self-Knowledge, Mental Health, and Religious Orientation. *The International Journal for the Psychology of Religion*, 22, 106-118.
- Kasser, T., & Ryan, R. M. (1996). Further examining the American dream: Differential correlates of intrinsic and extrinsic goals. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 22, 280-287.
- Kernis, M. H., Paradise, A. W., Whitaker, D., Wheatman, S., & Goldman, B. (2000). Master of one's psychological domain? Not likely if one's self-esteem is unstable. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 26, 297-305.
- Kernis, M. H., & Paradise, A. W. (2002). *Distinguishing between fragile and secure forms of high self-esteem*. In E. L. Deci & R. M. Ryan (Eds.), *Self-determination: Theoretical issues and practical applications*. Rochester, NY: University of Rochester Press.
- Luhtanen, R. K., & Crocker, J. (2005). Alcohol use in college students: Effects of level of self-esteem, narcissism, and contingencies of self-worth. *Psychology of Addictive Behaviors*, 19, 99-103.
- Mischel, W., & Shoda, Y. (1995). A cognitive-affective system theory of personality: Re conceptualizing situations, dispositions, dynamics, and invariance in personality structure. *Psychological Review*, 102, 246-268.
- Myers, D. G., & Diener, E. (1995). Who is happy? *Psychological Science*, 6, 10-19.
- Niiya, Y., Brook, A. T., & Crocker, J. (2010). Contingent self-worth and self-handicapping: Do contingent incremental theorists protect self-esteem? *Self and Identity*, 9, 276-297.
- Park, L. E., & Crocker, J. (2005). The interpersonal costs of seeking self-esteem. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 31, 1587-1598.
- Park, L. E., Crocker, J., & Kiefer, A. K. (2007). Contingencies of self-worth, academic failure, and goal pursuit. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 33, 1503-1517.
- Park, L. E. & Crocker, J. (2008). Contingencies of self-worth and responses to negative interpersonal feedback. *Self and Identity*, 7, 184-203.
- Pyszczynski, T., Greenberg, J., Solomon, S., Arndt, J., & Schimel, J. (2004). Why do people need self-esteem? A theoretical and empirical review.

- Psychological Bulletin*. 130, 435-468.
- Raes, F., Pommier, E., Neff, K. D., & Van Gucht, D. (2011). Construction and factorial validation of a short form of the Self-Compassion Scale. *Clinical Psychology & Psychotherapy*. 18, 250-255.
- Roth, D. L., Snyder, C. R., & Pace, L. M. (1986). Dimensions of favorable self-presentation. *Journal of Personality and Social Psychology*, 51, 867-874.
- Ryan, R. M., & Brown, K. W. (2003). Why we don't need self-esteem: On fundamental needs, contingent love, and mindfulness. *Psychological Inquiry*, 14, 71-76.
- SabzehAra, M., Ferguson, Y. L., Sarafriz, M. R., & Mohammadi, M. (2014). An Investigation of the Associations between Contingent Self-Worth and Aspirations among Iranian University Students. *Journal of Social Psychology*. 154, 59-73.
- Sargent, J. T., Crocker, J., & Luhtanen, R. K. (2006). Contingencies of self-worth and symptoms of depression in college students. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 25, 628-646.
- Sheldon, K. M., & Kasser, T. (1995). Coherence and congruence: Two aspects of personality integration. *Journal of Personality and Social Psychology*, 68, 531-543.
- Tice, D. M., & Baumeister, R. F. (1990). Self-esteem, self-handicapping, and self-presentation: The strategy of inadequate practice. *Journal of personality*, 58, 443-468.